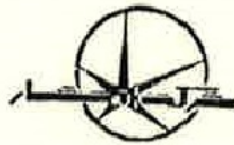


شریعتی

و

فلسطین

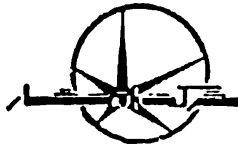


علی فیاض

شریعتی

و

فلسطین



علی فیاض

چاپ اول
۲۱۲

۹۶۶

شرکت سهامی انتشار
این کتاب به سرمایه شرکت انتشار چاپ شد
تیرماه ۱۳۶۱ هجری شمسی

تقدیم به:

" روح پاک تمامی شهدای انقلاب فلسطین "

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۳	تبرئه‌ی قوم یهود یا دسیسه‌ی مشترک صهیونیسم - امپریالیسم
۱۵	صهیونیسم پدیده‌های جدای از یهود
۱۶	ضرورت وحدت تشیع - تسنن در مقابل امپریالیسم
۲۰	تفرقه‌عامل پیروزی دشمن
۲۲	حمایت از فلسطین مسئولیتی دینی
۲۴	کمک مالی به انقلاب فلسطین و وظیفه‌ای شرعی
۲۶	شعارهای اصلی تشیع علوی
۲۸	انقلاب فلسطین و ایدئولوژی
۳۰	المپیک ۱۳۵۱ (مونیک) و مبارزین فلسطین
۳۱	فلسطین و شریعتی! (تجلیل رهبران مقاومت فلسطین از شریعتی)

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

اگر دو قرن نوزده و بیست را قرون انقلابات شکوهمند و آزادیبخش مردمی بدانیم، سخنی بگراف نگفته‌ایم، زیرا که این گفته واقعیتی است انکارناپذیر. از انقلاب کبیر فرانسه گرفته تا انقلاب اکتبر روسیه و همچنین انقلابات الجزایر، آلبانی، کوبا، ویتنام، اریتره، مورو (جنوب فیلیپین)، زنگبار، زیمبابوه و..... (۱)

این انقلابات همه شاهدانی هستند بر این گفته که: قرن کنونی و قرون آینده همگی در روند خود، مسیری انقلابی را می‌پیمایند و خواهند پیمود.

چنانکه علاوه بر انقلاباتی که پیروز گشته‌اند، نظیر کوبا، آلبانی، فرانسه، روسیه، ایران، الجزایر و... انقلاباتی نیز نوبنیاد هستند که میتوان از انقلابات مردم السالوادور، پولیساریو، بولیوی، شیلی، افغانستان (۲) ایرلند جنوبی،

(۱) در اینجا با مسائل بعد از انقلاب و به هر صورت انحرافات بعد از پیروزی کاری نداریم.

(۲) بدین دلیل افغانستان را نیز در ردیف انقلابات قرار دادیم که عملی علیه "اشغال نظامی خارجی" انجام گرفته. و مسلماً "اشغال نظامی کاری زشت و سرکوبگرانه است، حتی اگر به بهانه حضور امپریالیسم باشد، چه در این صورت این ملت افغانستان است که باید سرنوشت خود را تعیین کند. (البته حساب گروههای مرتجع و راست‌گرای وابسته به "سادات"ها و "جهان اسلام عربها" جدا از نیروهای مبارز مسلمان و متمدنی است).

عمان... و فلسطین نام برد. این انقلابات نیز شاهدانی هستند مبنی بر انقلابی بودن قرن کنونی. و اما در مورد قرون آینده نیز چنین می‌باشد و از هم اکنون (بر پایهٔ تجربیات جوامع) میتوانیم چنین انقلاب را در شیخ‌نشینهای اطراف خلیج فارس و بطور کلی کشورهای آسیای میانه و حتی اطراف دریای مدیترانه و بعضی از کشورهای آفریقایی ببینیم.

اما در مقام ارزیابی و نقد، مقاومت و انقلاب فلسطین از ویژه‌گی و شکوه دیگری برخوردار است. به میزان ظلمی که بر ملت فلسطین می‌رود می‌توان انقلاب و چهرهٔ مردم فلسطین را بعنوان معیار و نمونهٔ مظلومیت و محرومیت تمامی ملت‌های استعمار شده و محروم جهان نامید.

ملت قهرمان فلسطین بعنوان ملتی که قربانی استعمار و امپریالیسم بوده و می‌باشد، بدین دلیل شاهدی درخشان بر پیشانی جنایات امپریالیسم و صهیونیسم و استعمار غرب است از سال ۱۹۴۸ میلادی تاکنون که حدود ۳۵ سال می‌گذرد تاریخ شاهد ظلم و ستم، بی‌عدالتی و تجاوز به مردمی محروم، آرام، آزاده و مظلوم بوده است.

فلسطین قربانی تمامی امپریالیستها است. زیرا که تجربهٔ دو امپریالیسم سرشناس و خشن را در بر گرفته و بخود دیده است. دو امپریالیسم سرشناس و پر سابقه که با جنایات خود اکثر ملل جهان را به استعمار، استثمار و استحمار کشانده‌اند: انگلستان دیروز (۱) و آمریکای امروز.

اگر دیروز انگلستان بعنوان یک حامی بزرگ از تشکیل

(۱) البته بدین معنی نیست که امروز دیگر انگلستان خلقی!! شده و طرفدار ملت‌های محروم!! گشته باشد. چه، توقعی نمیتوان از چنین رژیم‌های کثیف و نظام‌های ضد بشری داشت. زیرا که هنوز هم به گارهای کثیف و ضد انسانی خویش ادامه می‌دهد، منت‌های امپریالیست‌های دیگر گوی سبقت و میدان تاخت و تاز را از دستش و جلویش ربوده‌اند.

دولت صهیونیستی "هرتزل"ها، "بن‌گوریون"ها و "گلداماير"ها حمایت مادی و فرهنگی (خبری و تبلیغاتی) در سطح بین‌المللی می‌نمود و براحتی صور و صیدا و دیگر بنادر را به زیر یوغ صهیونیسم می‌کشاند تا صهیونیست‌ها به نحو احسن و مطلوب استفاده کنند، امروز نیز امپریالیسم آمریکا، بعنوان عدل، و حق موجودیت اسرائیل، کمک‌های مادی و بین‌المللی خود را تقدیم این تجاوزگران می‌دارد. و اینچنین است که ملت فلسطین مظهر حق است و امپریالیست‌های اروپائی و آمریکائی مظهر باطل.

آری اگر در اندیشه و ذهن نتوانیم حق و باطل را مطمئن و بدون تزلزل بیابیم، در واقعیت لمس می‌کنیم: فلسطین و صهیونیسم - امپریالیسم. و اینچنین است که در رابطه با تمامی ملل محروم انقلابی و آزادی‌خواه جهان، می‌توانیم فلسطین را به عنوان معیار قاطع، ملاک مشخص و ترازویی برای ارزیابی، تجزیه و تحلیل حرکات و توازن سیاست‌های امپریالیستی قرار دهیم. یعنی در واقع از موضع‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌هایی که در قبال سرنوشت ملت فلسطین گرفته می‌شود. می‌توان در رابطه با تمامی انقلابات آزادی‌بخش جهانی سنجید. زیرا که دشمنان فلسطین و مخالفان استقلال فلسطین در مورد تمامی ملل محروم اینچنین می‌اندیشند.

بدین معنی است که فلسطین همچون قطب‌نما، مشخص - کنندهٔ جهت سیاست‌های جهان است. زیرا که فلسطین رامیتوان محور و دایره‌ای برای انقلابات و همچنین سنجش تجاوزات نامید.

و اما امروز، امروزه که فلسطین و انقلاب فلسطین در سطح جهان در حال شناخته شدن و مطرح شدن است، دیده می‌شود که از چپ و راست، طرح‌های صلح‌تدوین می‌گردند تا امپریالیست‌های ورشکسته را آبرو و موقعیت دیگری بخشد. اما امپریالیست‌ها و دیگر یاران‌شان، از "سادات" به جهنم رفته تا دیگر یاران پلید و همدست و همدستان‌شان همچون "فهد"ها کور خوانده‌اند اگر

خیال می‌کنند که ملت فلسطین فریب خواهد خورد .
ملت مبارز فلسطین بجز از سلاح خود به چیز دیگری
اعتماد نخواهد کرد و این را از تجربهٔ عمری مبارزهٔ آموخته
است . آری ، امروز دیگر فلسطین در قلب تمامی آزادیخواهان و
انقلابگران جهان جای دارد . نام فلسطین همچون نام پیامبران ،
برای توده‌های آگاه و آزادی‌طلب مقدس گشته است . و مسلماً "
ملتی که بیش از سی سال تجربهٔ مقاومت و مبارزه دارد ، فریب
هیچکدام از طرح‌های امپریالیسم در حال احتضار را نخواهد
خورد .

اکنون دشمنان ملل محروم سعی دارند که نامی از فلسطین
در میان نباشد . اما فلسطین جاودانی است ، چرا که دارای
تاریخی چند هزار ساله است این سرزمین همیشه سبز و پر از
زیتون میلادگاه مسیح و معراجگاه محمد است . و علیرغم همهٔ
کارشکنی‌ها ، خیانت‌ها ، از پشت خنجرزدن‌ها ، شکست‌ها و
پیروزی‌ها ، ملت فلسطین مسلح ایستاده است تا همهٔ نشستگان را
به قیام بخواند .

و هر مسلمانی باید بر این عقیدهٔ اصرار ورزد که : ملت
مبارز فلسطین رو در روی باطل و باطل‌پرستان و دشمنان حق
ایستاده است . و انشاءالله که پیروز خواهد شد .

البته ما هیچگاه نمی‌خواهیم که از فلسطین ، اسرائیل
دیگری بوجود آید . (و مسلماً " ملتی با این همه تجربه و با
خصلتی حق‌طلبانه انحراف پیدا نخواهد کرد) بلکه فلسطین در
آینده نیز همچنان که اکنون هست ، الگو و نمونه‌ای خواهد بود
برای ملت‌های محروم و انسان‌های آزادیخواه و حق‌طلب .

مسئله فلسطین امروزه از ابعاد گوناگونی نگریسته می‌شود و
هر جریانی به شکلی آن را تجزیه و تحلیل می‌نماید ، در صورتیکه
معیار اصلی این تجزیه و تحلیل‌ها باید ملت فلسطین و سازمان
آزادبخش فلسطین به‌عنوان تنها نمایندهٔ قانونی خلق فلسطین
باشد . وگرنه چه بسا به جای کمک و خدمت ، خدای نکرده خیانت

کنیم .

* * *

و اما مسئله‌ای دیگر، که برای یک مسلمان شیعی مطرح است شناختن انقلاب ملت فلسطین بعنوان یک ملت و یک جامعهٔ مسلمان است. البته با توجه به گفتهٔ قرآنی آیت‌الله طالقانی که: "در واقع هر انقلاب علیه ظلم، علیه استبداد و علیه استثمار در هر جای دنیا که باشد از نظر ما یک انقلاب اسلامی است،" مسلم است که دیگر جای شکی نمی‌ماند که هر مسلمان باید از هر انقلابی و هر مردمی که در مقابل ظلم ایستاده‌اند، حمایت بی‌دریغ کند، چه رسد به اینکه ملت فلسطین مردمی مسلمان هستند.

شاید برای کسانی که علاقمند باشند از موضع اسلام راستین یا تشیع سرخ علوی با مسئله فلسطین برخورد کنند (۱)، مسائلی باشد که خود نتوانند، پاسخی برای آن بیابند و یا در آن دچار شک و تردیدهایی باشند، که در اینصورت، مسلماً مواضع اسلام‌شناسان آگاه و مومن می‌تواند، دلیلی باشد مبنی بر مواضع کنونی اسلام. با توجه به این مسائل در طی این سلسله مجموعه مواضع اسلام‌شناسان در مورد فلسطین را تهیه و تدوین خواهیم نمود.

و با درک این مسئله که معلم شهید دکتر شریعتی از بزرگترین اسلام‌شناسان در عصر کنونی و از میان نسل انقلابی بوده و می‌باشد، شناخت و فهم مواضع آن ایدئولوگ تشیع سرخ، بعنوان یک الگو و یک پیشگام مسلمان، می‌تواند درک مواضع اسلام در این عصر باشد. مواضع ایشان را که بطور فشرده در گفته‌ها و نوشته‌های وی دریافت کرده‌ایم، تدوین نموده‌ایم تا

(۱) البته مسلم است که دفاع از مظلوم و حمله بر ظالم، ذره‌بین لازم ندارد ولی برای جلوگیری از انحراف و شناخت تاکتیکها و مواضع دوست و دشمن چرا.

پاسخی برای نسل انقلابی و روشنفکر کنونی باشد، و متعهدانه حرکتی و جنبشی و پاسخی در قبال این گفته پیغمبر که: " هر مسلمانی فریاد کمکی را در گوشه‌ای از جهان بشنود و به کمک نشتابد مسلمان نیست ".

در آن زمان که خیلیها یا از ترس سر و صدایی نداشتند و یا خود را فروخته بودند و یا حقیقت را قربانی مصلحت می‌کردند، باز این شریعتی بود که علی‌وار ایستاده بود، و با دو تازیانه نداشتن و نخواستن روی در روی تمامی طاغوتها و طاغوتگونه‌های عصر ایستاده و فریاد "وَيْلٌ" را سر می‌داد. و در عصری که دم از آزادی و عدالت و حق ملت‌های محروم زدن جرمی نابخشودنی بود، موسی‌وار حامی "بنی‌اسرائیل"‌های زمانش بود. و باز هم او بود که بی‌توجه و بی‌اعتنا به توجی‌هات روشنفکرآبانه و بی‌تفاوت در قبال مقالات و داستان‌های آرامش بخش به گفتن سخنان آتشین و به نوشتن مقالات انقلابی و دگرگون‌کننده پرداخت و همچون تمامی انقلابیون و آزادیخواهان راستین جهان بی‌توجه به ملیت و وابستگی قومی، به حمایت از انقلاب مردم فلسطین، اریتره، لبنان و الجزایر و... برخاست. تا آنجا که خود شخصا " در صف مجاهدین الجزایر به نبرد علیه اشغالگران فرانسوی می‌پردازد، و تا آنجا که خود شخصا "پولی را که از طریق اعانه و جمع‌آوری به حساب حسینیه ارشاد، از مردم زحمتکش ایران دریافت کرده، در مکه به مجاهدان و فدائیان فلسطین تقدیم می‌دارد.

آری از چنین کسی است که یاد می‌کنیم و راهش را خواهیم پیمود و عصا و کوله‌بارش را بر دوش حمل خواهیم کرد.

در آستانه پنجمین سالگرد شهادتش، یادش را گرامی بداریم و از دستاوردهای غنی مکتبی‌اش استفاده.

یادش جاودانه و راهش پر رهرو باد.

تبرئه قوم یهود یا دسیسه مشترک صهیونیسم - امپریالیسم

شاید خوانندگان عزیز مطلع باشند که ملت یهود تا سال ۱۹۶۵ همواره مورد اذیت و آزار ناجوانمردانه و متعصبانه ارتجاع مسیحی قرار داشتند و به جرم شرکت چند یهودی در قتل مسیح، تحت بدترین شرایط و شکنجه‌ها و آزارها قرار داشتند. تا اینکه پس از مدتی بالاخره از طرف گردانندگان کلیساهای مهم و مرکزی جهان مسیحیت براءت قوم یهود صادر شد. و البته نباید فکر کرد که واقعا " کلیسا اینطور خواسته بود، نه! بلکه این امر توطئه‌ای و برنامه‌ای بود، برای نفوذ در خاورمیانه و در واقع نماینده‌ای از طرف استعمار در خاورمیانه. معلم شهید که از اهداف شوم سیاستهای استعماری و امپریالیستی بی اطلاع نیست. در این مورد نیز معتقد است که براءت قوم یهود که همراه با پایه‌گذاری صهیونیسم و دولت غصبی اسرائیل (تقریبا) آغاز شد، دسیسه‌ای است، مبنی بر اتحاد جهان امپریالیسم و صهیونیستها:

"کنسلیل مسیحیت پرونده قتل عیسی را که دو هزار سال پیش گرفته بود، بررسی کرد و نژاد یهود را بی‌گناه تشخیص داد و یهودیان تبرئه شدند! اما من که این حرف حق را در جغرافیای فلسطین - اسرائیل، صهیونیسم - عرب، استعمار - اسلام، مسیحیت و یهود - بیت‌المقدس، کانال سوئز، ناصر، بن‌گورین، آمریکا، واتیکان، تل‌آویو، شرق، غرب، سرمایه‌داری، سوسیالیسم، دنیای سوم، انقلابهای ضد استعماری و آزاد بیخش...

سال ۱۹۶۰ میلادی از دهان پاپ پی دوازدهم می‌شنوم ،
نمی‌توانم گریبان اندیشه‌ام را از چنگ این سؤال رها کنم که آیا
کنسلی واتیکان و فتوای پاپ در تبرئه‌ی قوم یهود با آنچه هم-
اکنون در فلسطین می‌گذرد و با "رابطه‌ی خاصی" که غرب با
اسرائیل و در نتیجه، مسیحیت و یهود، در قبال اسلام و
فلسطین یافته‌اند، بی‌ارتباط است؟! (۱)

چنانکه مشاهده می‌شود، مسئله‌ی تبرئه‌ی قوم یهود از
دیدگاه معلم، بجز تبیین واقعیت استعمار و صهیونیسم چیز
دیگری نمی‌تواند باشد، و از دیدگاه معلم شهید که خود یکی از
پشتیبانان و طرفداران انقلابات ضد استعماری خلقهای جهان
است، کاملاً مشخص است که تبرئه‌ی قوم یهود، دسیسه و
توطئه‌ی مشترک استعمار - صهیونیسم است. و قربانیان این
تبرئه؟! خود اسناد و نمونه‌هایی هست، مبنی بر توطئه‌ی
سرکوبگرانه امپریالیسم و صهیونیسم در قبال خلقهای محروم و
بپاخاسته خاورمیانه.

و برآستی چه شاهدهی بهتر از موضعگیری‌های مشترک اروپا-
آمریکای مسیحی و صهیونیسم یهودی؟ و چه جوامع ویران شده و
سرکوب گشته‌ای مستندتر از جامعه‌ها و سرزمین‌هایی که معلم نام
می‌برد: فلسطین، اسلام (جهان اسلام)، بیت‌المقدس، شرق،
تل‌آویو، سوسیالیسم، دنیای سوم و انقلابات ضد استعماری و
آزادیبخش، و بنابراین، معلم شروع صهیونیسم و تاسیس دولت
اسرائیل را دقیقاً "توطئه‌ای مشترک از ناحیه استعمار و صهیونیسم
می‌داند. و همچنین در این رابطه نیز، سرنوشت فلسطین را از
سرنوشت اسلام و جوامع مسلمان جدا ندانسته و تمامی این
توطئه‌ها را توطئه‌هایی در قبال اسلام و فلسطین می‌داند.

صهیونیسم ، پدیده‌ای جدای از یهود

یکی از مسائلی را که معلم شهید بدان اهمیت می‌دهد ، آزادیخواه بودن یک مسلمان است و حق طلب بودن یک انقلابی معلم شهید با توجه به شناختی اصیل و بنیادین که از اسلام و تشیع دارد معتقد است که هیچگاه نباید مسئله صهیونیسم را با یهود یکی گرفت . و همچنین وی با اینکه خود را در قبال سرنوشت تمامی مردم جهان مسئول می‌داند و دفاع از انقلابات مردم محروم را امری واجب می‌شمارد ، با اینحال در یک رابطه^۶ ارگانیکی و کادر مشخصی این مسائل را می‌نگرد .

و بدین جهت از این امر نیز آگاه است که مبادا تبدیل به فاشیست و یا آنتی سمیتیست شویم و بدین جهت آنتی سمیتیسم را نهضتی و جریانی ضد انسانی و ضد بشری تلقی می‌نماید و از آن بیزار است . (آنتی سمیتیسم جریانی ضد یهود است که یهود را یک کل مطلق و یک دشمن مطلق می‌پندارد ، حتی اگر جامعه‌ای یهودی ولی روشنفکر و آزادیخواه باشد .)

براساس دیدگاه معلم ، اگر در امر مبارزه از کادر مشخص و تحلیل مشخص از شرایط و واقعیات بیرون رویم ، چه بسا که دچار یک نو اگوسانتریسم (خود محوری) شده و امر مبارزه را فدای احساسات خود سازیم . و بدین دلایل است که شریعتی خود از دشمنی با یهود بیزار است و یهود را پدیده‌ای جدای از صهیونیسم می‌داند . آنجا که می‌گوید :

" من همیشه از کینه‌توزی متعصبانه و وحشیانه^۶ مسیحی‌ها نسبت به یهود نفرت داشتم . به اتهام شرکت احتمالی چند یهودی در قتل مسیح ، یک نژاد را برای همیشه قاتل مسیح شمردن و تمام نسل‌ها را در طول تاریخ مورد شکنجه و آزار غیر انسانی قرار دادن و دو هزار سال تمام به قتل عام وحشیانه یهودیان مشغول بودن و براساس این اتهام ، کینه^۶ ضد یهود را در دل کودکان مسیحی کاشتن و نهضت فاشیستی ضد بشری

" آنتی سمیتیسم " را بوجود آوردن، این فکر به همان اندازه ابلهانه و ددمنشانه است که مثلا " ما ایرانی‌ها بخاطر آنکه " ابن ملجم " یا " شمر ذی‌الجوشن " عرب بوده‌اند، کینه نژادی ضد عرب را جزئی از ایمان مذهبی و عقیده شیعی خود بشمار آوریم. " (۱)

بنابراین از دیدگاه شریعتی یکی از مسائل در رابطه با صهیونیسم و یهود، جدائی مسئله صهیونیسم از دین یهود و گروه‌های یهودی است. و در همین رابطه بود که بعضی از عناصر مرتجع و مخالف تشیع علوی، که در راه اتحاد با برادران مسلمان دیگر نقاط جهان مانع‌گذاری میکردند، او را متهم به سنی‌بودن می‌کردند و در میان عوام شایعه پراکنی علیه جریان حسینییه ارشاد و بخصوص شریعتی می‌نمودند. آنجا که معلم شهید گفته بود:

" ما با یهود دشمنی نمی‌ورزیم، بلکه با اسرائیل دشمنیم آن هم نه بخاطر دینش، بلکه بخاطر اینکه "فاشیست" است و پایگاه استعمار و امپریالیسم" ! (۲)

ضرورت وحدت تشیع-تسنن در مقابل امپریالیسم

یکی دیگر از مسائل که شریعتی به آن بسیار اهمیت می‌دهد، مسئله اتحاد صفوف در قبال امپریالیسم و صهیونیسم است. اساسا " یکی از هدف‌های ایدئولوژیک معلم وحدت تمامی مسلمانان و جامعه‌های اسلامی در برابر استعمار است. او در مقابل سرنوشت فلسطین، تمامی مسلمانان را مسئول دانسه و از آنان مصرانه خواستار همدردی با سرنوشت خلق

(۱) مجموعه آثار ۴ صفحه ۲۸۶

(۲) مجموعه آثار ۷ صفحه ۲۷۷

فلسطین بود و در این زمینه مخالف جدی با هرگونه تفرقه.
زمانی که معلم، از اتحاد تشیع و تسنن سخن می‌گفت،
بسیار بودند، کسانی که بنام دین و مخصوصاً " تشیع، مردم را
علیه حسینیه ارشاد تحریک می‌کردند که مثلاً " حسینیه پایگاه
سنی‌ها است و سنی‌ها دشمن ما... که در این رابطه معلم معتقد
بود که:

" جنگ شیعه و سنی فعلی، جنگ تشیع صفوی - تسنن
اموی است، برای اغفال از جنگ اسلام - استعمار، جنگ
مسلمان - صهیونیست، همبستگی دو جنگ و همزمانی این دو
جبهه به هر کسی که از دنیا خبر دارد روشن است. طرح تحریک-
آمیز و غیر عادی " غصب فدک " به شکل یک حادثه زنده
فعلی! برای غفلت از " غصب فلسطین " است. " (۱)
در موقعی که مسئله وحدت مسلمانان مطرح شد تا بیت -
المقدس غصب شده پس گرفته شود، در سبزوار شیعه‌نماها مردم
را علیه "سنی‌ها" تحریک کردند که فدک را باید پس گرفت " (۲)
آری در آن زمان که مردم را علیه صهیونیسم باید تحریک
می‌کردند، علیه غصب فدک تحریک می‌کردند و برای یک جریان
که چهارده قرن پیش توسط مسلمانان صدر اول پیش آمده،
برادران فلسطینی را مسئول آن می‌دانستند! درست مثل محکومیت
تمام یهودیها در طول دو هزار سال بخاطر قتل مسیح!
درست در زمانی که شریعتی ندای آزادیبخش اتحاد را سر
می‌داد، مدافعان تشیع صفوی، حیات سیاسی و عقیدتی خویش
را در تفرقه مسلمانان می‌دانستند و در این رابطه از هیچ کوششی
فروگذار نمی‌کردند.

هم حسینیه را پایگاه تسنن می‌دانستند، هم معلم را
وهابی، سنی و ماتریالیست می‌خواندند و هم دعا به جان

(۱) مجموعه آثار ۹ صفحه ۲۴۶

(۲) مجموعه آثار ۷ صفحه ۲۷۹

"گلدامیر" و "موشه‌دایان" میکردند!! معلم خود در این رابطه چنین میگوید:

"نباید برای پسند عوامی که با آنها در تماسیم، اختلاف شیعه و سنی را بصورت تخاصم و تناقض توحید و شرک و مسلمان و کافر و طاهر و نجس در آوریم و تمام برادران مسلمان غیر شیعی را وهابی و ناصبی و دشمن علی و خصم اهل بیت معرفی کنیم، تا آنجا که صهیونیسم را بر مسلمان فلسطینی و مصری و سوری... ترجیح دهیم و از اینکه "موشه‌دایان" و "بن گوریون" و "گلدامیر" با همدستی انگلیس و آمریکا بر سر کودکان و زنان و خانه و مسجد "پرت سعید" و "اسکندریه" بمب می‌ریزند و برای اطفال معصوم و مسلمان، عروسک و اسباب‌بازی نارنجک می‌اندازند، دل‌مان خنک شود و به مردم بیچاره و بی‌خبر شیعه که جانشان لبریز از عشق مقدس علی علیه‌السلام است تلقین کنیم که: خوبشان می‌شود!" (۱)

البته منظور او از وحدت، وحدت بین تشیع و تسنن نیست (چنانکه خود میگوید غیرممکن است (۲)) بلکه وحدت بین شیعیان و سنیهاست. ولی مدافعان ولایت صفوی، که آگاه و ناآگاه به استعمار کمک و خدمت زیادی می‌نمودند، همه جا مردم را علیه تسنن و اتحاد مسلمانان تحریک می‌کردند:

"باید توضیح بدهم که پس از جنگهای شش روزه سال ۱۹۶۷ و اشغال بیت‌المقدس و خطر صهیونیسم و طرح مساله فلسطین و شعار وحدت صفوف در برابر استعمار (که بارها گفته‌ام و این گفته شعار ما شده است که وحدت بین تشیع و تسنن نه، وحدت شیعه و سنی، آری!) با اینکه حسینیه ارشاد، از آغاز تاکنون، اسلامش "اسلام حسین" بوده است و... ناگهان طی برنامه‌ای یکنواخت و همزمان با اتهاماتی دیکته شده، در چند محفل رسمی و مجلس عمومی تهران و شهرستانها تحت عنوان

(۱) مجموعه آثار ۱ صفحه ۱۹۱

(۲) رجوع شود به "علی بنیانگزار وحدت"

شعار مقدس "ولایت" و مبارزه با خطر "وحدت"، موسسه ارشاد بطور اعم و من بطور اخص، مخالف "ولایت" و منکر "اهل بیت رسالت" و سنی و حتی وهابی به مردم معرفی شدیم. حساب کردیم، دیدیم این برنامه، درست، بعد از هجوم صهیونیسم آغاز شد و دقیقا "ماه بعد از آنکه، در ارشاد طی سخنرانی‌هایی تحت نظر هیاتی از شخصیت‌های معتبر تشیع علوی شمارهٔ حساب بانکی برای کمک به فلسطین اعلام شد و سپس از جانب عده‌ای از شخصیت‌های معتبر تشیع صفوی اعلامیه‌ای صادر شد." (۱)

"ولی به هر حال آنها که شایعه می‌سازند و وظیفه‌شان این است، براساس آنچه مصلحت اوضاع و احوال ایجاب می‌کند و سفارش داده شده می‌سازند نه براساس آنچه حقیقت گفتار و واقعیت رفتار اقتضا دارد. این است که مثلا برای آنکه کسی جرات نکند نامی از فلسطین و ضرورت وحدت خارجی مسلمانان در برابر غرب و صهیونیسم ببرد، مصلحت ایجاب می‌کند که ناگهان همه جا به تسنن متهم شود و نداشتن ولایت (مقصودشان ولایت اسباط اثنی عشر خاندان اسرائیل است!) " (۲)

چنانکه مشاهده میشود، بیشترین مسئله‌ای که شریعتی بدان بها می‌دهد، مسئله اتحاد است و بیشترین چیزی هم که او را گله‌مند کرده باز هم مسئله همین اتحاد است که مدافعان ولایت تشیع صفوی، مخالف آن هستند.

به هر حال مسئله‌ای دیگر از دیدگاه معلم در قبال سرنوشت مردم مسلمان فلسطین و تمامی مسلمانان، مسئله متحد شدن تمامی ملل مسلمان است، زیرا که استعمار از همین اتحاد وحشت دارد. معلم تکیه بر وحدت دارد، اما نه وحدتی که دین‌هایکی گردد. بلکه وحدتی که به یکی شدن صفوف در قبال استعمار بیانجامد.

(۱) مجموعه آثار ۹ صفحه ۵۳ - ۵۲
(۲) مجموعه آثار ۱۶ صفحه ۲۸۳

و وحدتی که موجد آزادی و گستن زنجیرهای اسارت می‌باشد و همچنین رسیدن به جامعه‌ای برابر و برادر. جامعه‌ای که در آن از استثمار و استعمار و استبداد خبری نباشد.

تفرقه عامل پیروزی دشمن

چنانکه گفتیم، معلم بیشترین تکیه را بر وحدت مسلمانان (در قبال امپریالیسم و صهیونیسم) دارد. چه متفرق شدن، و تکه‌تکه شدن و در آخر لقمه، لقمه، آماده گشتن، برای راحت بلعیدن دشمن، تنها نتیجهٔ عدم اتحاد می‌باشد. تفرقه‌ای که فقط دشمنان از آن سود می‌برند.

و این است که تفرقه عامل بسیار پر ارزشی برای پیروزی دشمن است. و چنانکه دیدیم، چگونه استعمار از عدم اتحاد تسنن و تشیع استفاده کرد و دولت عثمانی و صفوی را بجان هم انداخت و پس از تکه‌تکه کردن عثمانی چه راحت راه نفوذ و پیشروی را یافت.

و سپس انتهایش را به پیدایش دولت اسرائیل و صهیونیسم و... کشاند. این است که عدم اتحاد خود بهترین کمک و یاری به استعمار، امپریالیسم و صهیونیسم است. معلم خود در این زمینه میگوید:

" ما باید اعلام کنیم که این جنگ زرگری که امروز در دنیای اسلام تشدید شده است، جنگ " تشیع علوی " و تسنن محمدی " نیست، جنگ " تشیع صفوی " است با " تسنن اموی " که انعکاسی بوده است از جنگ صفویه با عثمانی‌ها و استخدام مذهب در سیاست دو دولت متخاصم، ثانیاً " این جنگ که تازگی در سراسر کشورهای اسلامی احیاء شده است و با برنامه‌های منظم و بودجه و حساب و کتاب دقیق و تاکتیک دقیق اجرا میشود، بعد

از جنگ اسلام و صهیونیسم است و طرح اتحاد و هماهنگی و تفاهم مسلمانان در برابر خطر مشترک خارجی در اندیشه همه مردم و بویژه علمای راستین " تشیع علوی " و " تسنن محمدی " است و نقشه، نقشه تفرقه افکنی در پشت جبهه است و بهترین وسیله برای اینکه از خطر صهیونیسم غافل مانند. این است که مردم سنی بترسند که خطر اسلام، تشیع است و مردم شیعی را بترسانند که خطر اسلام، تسنن است! و برای دشمن چه موفقیتی بهتر از این که نقشه‌ای طرح کنند که دو سر بازی که در جبهه مقابل، داخل یک سنگر کمین کرده‌اند و حمله می‌کنند، ناگهان بجان هم بیفتند. (۱)

معلم شهید ضمن محکوم کردن هر نوع تفرقه میان ملل مسلمان، تمامی جنگ‌ها و دعواهایی را که بنام شیعی یا سنی رخ میدهد، جنگ‌هایی زرگری میداند که عاملین اصلی آن بنفع امپریالیسم و صهیونیسم عمل می‌کنند. (حال آگاه یا ناآگاه) و همچنین براساس مواضع معلم شهید، جنگی که بین شیعه و سنی بنام خطر اسلام! راه انداخته‌اند در واقع دنباله سیاست‌های استعماری جنگ دولت عثمانی و صفوی است، که منجر به تفرقه بین جهان اسلام گردید.

بنابراین، تفرقه بین کلیه جوامع مسلمان خواستهایی، استعماری و یا صد درصد بنفع استعمار، امپریالیسم و صهیونیسم می‌باشد. چه اگر استعمار شده در ماهیت خویش تغییری عمیق و بنیادین بعمل آورد، هم استعمارگر خواهد مرد، هم انسان استعمارپذیر خواهد مرد و هم استعمار دفن و دفع خواهد شد. و اتحاد یکی از مهمترین راه‌های مبارزه با استعمار است.

حمایت از فلسطین مسئولیتی دینی

معلم شهید مسئلهٔ فلسطین را از جهات مختلفی بررسی نموده است. چنانکه از گفتارها و سخنان وی معلوم است و تاکنون مشاهده شد، جنگ صهیونیستی از دیدگاه او علیه اسلام و تمامی جهان اسلام می‌باشد و بر مبنای چنین موضعی است که وی حمایت از فلسطین را حمایت از اسلام و در نتیجه، مسئولیتی دینی اعلام می‌نماید.

وی در رابطه با حمایت شرعی از فلسطین، در کتاب "علی بنیانگزار وحدت" پس از آنکه جملاتی در رابطه با فلسطین می‌گوید، مبارزه برای رهایی فلسطین و آزادی سرزمین‌های مسلمانان را مسئولیتی دینی تلقی نموده و می‌گوید: "علی الان خودش با اینها دشمن است" (۱) و منظور وی از اینها، همان صهیونیستهای تجاوزگر می‌باشند. همچنین وی ضربه‌ای را که بر فلسطین وارد کرده‌اند، ضربه بزرگی در سطح جهانی بر اسلام اعلام می‌کند و مسلماً "حمایت و مبارزه به نفع اسلام، مبارزه‌ای شرعی و دینی محسوب می‌شود

"چرا وقتی که از جبهه دشمن خارجی، بر سر مسلمانان، ضربه‌ای وارد می‌شود، بخشی از سرزمین مسلمانان غصب می‌شود، ملتی از امت اسلامی مورد هجوم و ستم قرار می‌گیرد، مقدسات مسلمانان نابود می‌شود و بالاخره چرا وقتی که ضربه بزرگی در سطح جهانی بر اسلام وارد می‌کنند، ناگهان خود "ما" به جان هم می‌افتیم؟ این، اوست که "بیت المقدس" را گرفته، اوست که مسجد الاقصی را آتش زده، اوست که سرزمین‌های مسلمانان را اشغال کرده، اوست که خانه‌های مسلمانان را منفجر می‌کند، اوست که به ناموس بی‌دفاع مسلمین تجاوز می‌کند... و اوست که ریشه اسلام و فرهنگ و ایمان ما را می‌زند... (۲)

(۱) علی بنیانگزار وحدت صفحه ۳۴

(۲) قاسطین، مارفین، ناگشین صفحه ۹۵

آری، وقتی جنگ صهیونیسم با فلسطین، جنگ صهیونیسم با اسلام، جهان اسلام و مسلمانان تلقی می‌شود، مسلماً و صددرصد دفاع از فلسطین و ضرباتی که در سطح جهانی بر اسلام وارد می‌شود، وظیفه‌ای شرعی و دینی به حساب می‌آید. و وقتی که صهیونیسم " ریشه‌ای اسلام و فرهنگ و ایمان ما را می‌زند"، آیا مقاومت و ایستادگی و مبارزه علیه چنین جریان ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم جهانی، وظیفه‌ای و مبارزه‌ای شرعی تلقی نخواهد شد؟

معلم شهید که، دفاع از فلسطین و وطن مسلمانان آواره شده فلسطین را، وظیفه‌ای شرعی اعلام می‌دارد، معتقد است که روشنفکران جوامع اسلامی در دفاع از امت اسلامی و پایگاه جهان اسلام است که در برابر ضربات وحشیانه و ضد مردمی صهیونیسم مبارزه می‌کنند؛

" امروز نیز تمام روشنفکران جامعه‌های اسلامی (چه در آسیا و چه در خاورمیانه و آفریقا)، که بخاطر " امت اسلامی و در راه دفاع از پایگاه جهان اسلام در برابر هجوم صهیونیسم و امپریالیسم مبارزه می‌کنند و آگاهند و... " (۱)

چنانکه مشاهده می‌شود، معلم شهید مبارزان و آزادی خواهان و روشنفکرانی را که برای آزادی فلسطین مبارزه می‌کنند، مبارزانی قلمداد می‌کند که در راه دفاع از پایگاه جهان اسلام و بخاطر امت اسلامی " می‌جنگند و بر این اساس برای هر مسلمان معتقدی، دفاع از فلسطین، وظیفه‌ای شرعی - اسلامی خواهد بود که برای رهایی این " امت اسلامی " و این " پایگاه جهان اسلام " تا آنجا که در توان دارد گوشش نماید.

معلم شهید سپس در جایی دیگر اینچنین می‌گوید :

" عجیب‌تر از اینها، امر به معروف و نهی از منکر آن ده، بیست هزار نفر مکه و مدینه است. اینها اسمشان " الامرین

(۱) قاسطین، مارفین، ناکثین صفحه ۳۱

بالمعروف و الناهین عن المنکر " است که از دم مسلحند و خیلی هم حساس و بیدار و سخت‌گیر در تعهد مسئولیت، در قبرستان خانواده پیغمبر، اگر یک مسلمان، پایش را از خط مرزی جلو گذاشت و بطرف قبرستان ابوطالب و عبدالمطلب یک قدم پیشروی کرد، منکری در اسلام ایجاد کرده که خونش به گردش است! اما تجاوز اسرائیل را به تمامی فلسطین و آواره کردن دسته جمعی یک ملت بزرگ مسلمان برایش اساساً جزء منکرات به حساب نمی‌آید و شرعاً از موارد امر به معروف و نهی از منکر شمرده نمی‌شود. " (۴)

یکی دیگر از مسائل مورد نظر معلم شهید سنجش جریانهای اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی براساس معیارهای اصیل اسلامی می‌باشد و بر همین اساس است که وی مسئله جنایات صهیونیسم علیه ملت مسلمان فلسطین را نیز در رابطه با مسئولیتها و معیارهای دینی ارزیابی می‌کند و " امر به معروف و نهی از منکر " را نیز در این رابطه مشخص می‌نماید. صهیونیسم، جزو منکرات است و طرد و نفی منکرات از دیدگاه اسلام لازم. و فلسطین جزو معروفات و شناخته شده و پذیرفته شده دینی که دفاع از آن لازم. پس نفی منکرات و تثبیت معروفات (خیرات) مسئولیتی و وظیفه‌ای دینی می‌باشد و حمایت از فلسطین نیز.

کمک مالی به انقلاب فلسطین وظیفه‌ای شرعی

چنانکه می‌دانیم اکنون مردم فلسطین را آواره کرده‌اند و همه چیزش را به غارت و غنیمت گرفته‌اند. و به همین جهت خلقی است محروم و فقیر. و با توجه به شرایط انقلابی مردم قهرمان فلسطین و تلاشهای پیگیر مادی و معنوی برای تجدید

حیات در سرزمین خویش و باز پس گرفتن سرزمین اشغال شده^۱ خود، مسلماً "از کمک‌های مادی و معنوی دیگر خلقهای محروم و متشکل و انقلابی، بی‌نیاز نیست.

لذا یکی از مسائلی که در راس کمک به خلق فلسطین باید قرار گیرد، کمک مادی به انقلاب ملت فلسطین است. کمکی که هر روز بیشتر پایه‌ها و پشتوانه‌های اقتصادی خلق فلسطین را محکمتر نماید. چه کمک به فلسطین فقط در حرف زدن و شعار دادن نیست!

معلم شهید در زمینه^۲ کمکهای مادی نیز (آنچنان که کمک معنوی به خلق فلسطین را امری ضروری و جزو وظایف یک مسلمان می‌داند) نظرات قاطع و روشنی دارد و حتی معتقد است که از سهم امام برای کمک به خلق فلسطین باید پرداخت گردد و تعجب می‌کند که چرا "دیناری از سهم امام را در آن نمی‌بینیم"! (۱) و خود نیز بارها از هر طریق برای کمک به فلسطین کوشش می‌نمود و حتی حساب بانکی‌ای به شماره^۳ حسینی (با کمک چند تن از علمای تشیع علوی) باز نموده و برای کمک به فلسطین از مردم مسلمان، یاری می‌طلبید. (۲)

و حتی در سفر حج که به زیارت خانه^۴ خدا می‌رود، با برادران فلسطینی تماس گرفته (او خود شخصاً^۵ مسئول پرداخت پول به برادران فلسطینی بود) و پولی را که جمع‌آوری کرده به آنان می‌پردازد؛

"یکبار در عرفات فلسطینی‌ها آمده بودند (البته خیمه‌هاشان بیرون شهر بود، جایی به آنها داده بودند روی ریگها، آنهم نه به اسم ملت فلسطین، بلکه به اسم هلال احمر!)، پولی جمع شده بود، اجازه نداده بودند که آنها به محل ما بیایند، ما رفتیم، داشتیم پولها را می‌شمردیم و صحبت

(۱) مجموعه آثار ۲ صفحه ۱۸۵
(۲) مجموعه آثار ۹ صفحه ۵۳ - ۵۲

میکردیم ، یک مرتبه صدای اذان بلند شد. «(۱) بنا براین از دیدگاه معلم شهید کمک مالی به خلق محروم و مبارزه فلسطین ، نه تنها امری انسانی است ، بلکه امری شرعی و کاملاً " دینی محسوب می شود .

شعارهای اصلی تشیع علوی

معلم شهید که کلیه مواضع و جهت گیریهای خود را در کادر مکتب و ایدئولوژی مشخص کرده و می کند ، در رابطه با دوستان و دشمنان انقلابات آزادیبخش مردم محروم جهان نیز از چارچوب معیارهای مکتبی استفاده میکند .

وی که مصالح تمامی مردم جهان را یکسان دیده و می بیند ، دشمنان تمامی مردم جهان را نیز یکسان می بیند و از امپریالیسم و صهیونیسم بعنوان دشمنان واحد و همه جانبه ملتها یاد میکند . وی که امر بمعروف و نهی از منکر را (که دو معیار اصیل اسلامی هستند) در رابطه با واقعیات روز و بشکلی پویا ارزیابی می کند ، در رابطه با واقعیات دنیای امروز نیز اینچنین می سنجد:

" بزرگترین منکرات امروز در چشم بهترین امتی که برای مردم خروج کرده است ، امپریالیسم بین المللی ، صهیونیسم جهانی ، استحمار ، استعمار است . (۲)

و چنانکه می دانیم ، " امر بمعروف " و " نهی از منکر " (و بطور خلاصه منکرات و معروفات) دو معیار اصلی شناختن واقعیات و نفی یا تثبیت ارزشهای یک جامعه هستند ، که در مکتب اسلام راستین بطور پویا و دینامیک ، بشکلی جدی مطرح است .

(۱) مجموعه آثار ۲ صفحه ۱۹۵ - ۱۹۴

(۲) مجموعه آثار ۷ صفحه ۷۶

معلم که موضعی همه جانبه را در کلیه مسائل، مطرح می‌کند، و بر مبنای شناختی صحیح که از اسلام و تشیع دارد، شعار اصلی تشیع سرخ علوی را امروز در سطح داخلی و خارجی اینچنین تشریح می‌کند، (که مسلما " شکست صهیونیسم و آزادی فلسطین در متن آن قرار دارد) :

" شعارهای اصلی دنیای امروز، ایمان (در غرب) و عدالت و مبارزه^۱ ضد طبقاتی (در دنیای سوم) و ایمان و عدالت و مبارزه با استثمار طبقاتی و بالاخص وحدت در برابر امپریالیسم و صهیونیسم (در دنیای اسلام) است. و اینها شعارهای اصلی تشیع علوی است " (۱)

و بالاخره معلم شهید، دشمنان ما (همه مردم آزاده و دربند جهان) را اینچنین معرفی می‌کند :

" دشمنان ما در این عصر: امپریالیسم است، ماتریالیسم است، سرمایه‌داری، بورژوازی، استثمار، ماشینیسیم، تضاد طبقاتی، فاشیسم، صهیونیسم... (۲) چنانکه مشاهده شد معلم هر جا سخن از نیروهای باطل و ضد تکاملی و ضد مردمی جهان بمیان می‌آورد، یکی از آنان صهیونیسم است. و کیست که نداند، که امروز فشار اصلی صهیونیسم بر ملت محروم و آواره^۲ فلسطین میباشد.

(۱) مجموعه آثار ۷ صفحه^۱ ۱۷۴

(۲) مجموعه آثار ۱ صفحه^۲ ۱۷۶

انقلاب فلسطین و ایدئولوژی

معلم شهید، انقلاب فلسطین را، و سرنوشت مردم فلسطین را جدای از اسلام نمیداند. و جنگ کنونی صهیونیسم با فلسطین را جنگ صهیونیسم با اسلام میدانند. (۱)

و همچنین ایدئولوژی را در جریان عمل، اصیل دانسته و اسلام را در موضع مبارزه و هجوم بر ظلم و ستم، اسلام اصیل می‌داند و در این موارد، مبارزین فلسطین را مجاهدانی خطاب میکند که برای نخستین بار معنای نماز را از آنان می‌آموزد!:

" یکبار در عرفات فلسطینی‌ها آمده بودند... پولی جمع شده بود... ما رفتیم داشتیم پولها را می‌شمردیم و صحبت می‌کردیم، یکمرتبه صدای اذان بلند شد، بقیه پولها را نشمرده، همینطور گذاشتند و به حرفها هم دیگر گوش ندادند (مثل اینکه دیوانه شده باشند) ما را رها کردند و یکمرتبه دیدیم که در همان ریگها (بدون حصیر و پلاس) روی همان ریگهای کنار کوه ایستادند به یک صف، همه چریک و مجاهد و اغلب با لباس چریکی شبیه به خاک، برای اولین بار یک عنائسی از نماز فهمیدیم. وقتی که میگفت بحول‌الله، احساس میکردیم قیام را دارد میگوید. قیام: پا شدن از روی زمین و تجسم بخشیدن به مفهوم قیام، ایستادن و سرکشی کردن. و بعد دعاها - به جای دعاهای ما که خدایا فلان مرض ما را شفا بده و خدایا قرض ما را

(۱) مجموعه آثار ۴ صفحه ۲۸۷

ادا کن، دعا می‌کردند که خدایا ما فانتوم‌های اینها را،
خمپاره‌های اینها را (با اسم و رسم) ب - ۵۲ اینها را،
تانک‌های اینها را بزنیم . " (۱)

و باز هلم شهید در جایی دیگر شهدای انقلاب فلسطین را
با شهدای " بدر " و " احد " و " کربلا " و " مرج‌العذرا " و ... یکی
کرده و همه را در یک جهت (الی‌الله‌المسیر) می‌داند و خدا را
غرق بوئیدن و تماشا کردن آنها . آنجا که می‌گوید :

" ... (خدا) این دو گل سرخ محمدی را که تازه چیده
است چه مشتاقانه میبوید و مینوازد و میبوسد و با شاخه‌های
سبزی که از درخت مبارک زیتون توحید بریده‌اند و سرخ گل‌های
عطرآگینی که از گلزار بدر و احد و کربلا و مرج‌العذرا و " سینا و
جولان و بیت‌المقدس و لبنان و تل‌زعترا " چیده‌اند دسته‌دسته
می‌کند و با زیبایی و هنرمندی اعجاز آفرینش، حرم ستر و
عفاف و صحن پر جلال ملکوت و پیرامون عرش کبریائی‌اش را
می‌آراید " . (۲)

و همچنین معلم شهید، ادبیات انقلابی عرب و فلسطین
را، آتشی بر گرفته از بینش اسلامی می‌داند و امیدی بس بزرگ
نسبت بدان دارد :

" بویژه ادبیات انقلابی عرب، که از آتش فلسطین سرزده
است، مایه‌هایی است حیاتی برای تجدید تولد انسان‌هایی که
باید براساس بینش اسلامی جانشین خدا و همانند خدا شوند . و
اکنون به سگ شدن دعوت می‌گردند " (۳) به امید روزی که به
آن " تجدید تولدی که براساس آن باید جانشین خدا و همانند
خدا شویم " برسیم .

(۱) مجموعه آثار ۲ صفحه ۱۹۵ - ۱۹۴

(۲) مجموعه آثار ۱ صفحه ۲۳۴ - ۲۳۳

(۳) مجموعه آثار ۲ صفحه ۱۸۲

المپیک ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) و مبارزین فلسطین

مبارزین فلسطین همواره و به هر شکلی سعی کرده‌اند که فریاد مظلومیت خویش را به گوش جهانیان برسانند. از فعالیت‌های دیپلماتیک گرفته تا فعالیت‌های نظامی.

و بارها ملل جهان شاهد ایمان قوی و اعمال شجاعانه آنان بوده و می‌باشند. و یکی از این عملیات شجاعانه و حیرت‌انگیز، در المپیک مونیخ آلمان روی داد، که همهٔ جهانیان را متوجه سرنوشت فلسطین نمود. البته مثل همیشه، این عمل از طرف امپریالیستها و تروریستهای واقعی محکوم شد. و آن را عمل تروریستی جنایتکارانه‌ای خواندند. همانهایی که بمباران جنوب لبنان، کشتار دیرپاسین و یافا، و انفجارات در بیروت را عملی دفاعانه از جانب صهیونیسم کثیف می‌خوانند.

معلم شهید، حرکات انقلابی و چریکی مبارزان و فدائیان فلسطین را، حرکت‌هایی برای نشان دادن حق عظیم و بزرگ مردم فلسطین در جهان می‌داند و از آن بعنوان فریاد اعتراضی در متن خاموش استعمارشده‌ها، یاد می‌کند.

در سال ۱۹۷۲ (المپیک مونیخ) که فدائیان جان بر کف فلسطین با عمل شجاعانه خود، دنیا را نسبت به سرنوشت خویش مطلع کردند و خشم و نفرت خود را نسبت به بازیهای بین‌المللی و بی‌تفاوتی‌هایی که در قبال سرنوشت ملت فلسطین دیده می‌شود، نشان دادند، و فریاد اعتراض خود را به گوش جهانیان رساندند، معلم شهید، در همانسال ۱۳۵۱ در این مورد مثل همیشه به حمایت از انقلابیون فلسطین گفت:

"انحراف از کعبه به کربلا، فریاد اعتراضی بوده است در متن خاموش استعمار شده‌های دولتی. و این فریاد را باید در شرایط و زمانش شنید، تا اصالت انسانی و اسلامیش را دریافت. همچنان که "المپیک" امسال را در شرایط و زمان کنونی باید دید، تا درست قضاوت کرد، و همپای وجدان پلید شرق و غرب نشد، که یک صدا محکومش کردند.

(در آنجا شیعه، در متن استعمارشدگان خلافت بر می‌خاست، تا ظلمی را که بر او رفته است، فریاد کند و لباس دوستی دروغ را بر تن دشمن بدرد) و در اینجا پنج نفر، در متن تماشایی و تماشاگر استعمار شده^۶ شرق و غرب برمی‌خیزد تا بدنیا بگویند، که این هر دو با ما چه کردند، و تو اگر هزار سال خواستی بقضاوت بنشینی، به امروز، به امسال، باز گرد و حادثه را در متن اکنون ببین، تا بخطا داوری نکنی. " (۱)

آری دشمنان ملت فلسطین همیشه تمامی جنایات صهیونیستها را نادیده گرفته و می‌گیرند، اما عملیات انقلابی و حق‌طلبانه فلسطینیان را یکصدا محکوم می‌کنند. چه در واقع مرگ صهیونیسم، مرگ خود آنان (امپریالیستها) نیز هست. اما علیرغم تمامی جنایات امپریالیستها و موضعگیری‌های دشمنان، ملت مبارز فلسطین ایستاده است تا تمامی امپریالیستها و استعمارگران را افشا کند و پرچم رسوائی جنایات و خیانت‌های آنان باشد و به مردم جهان بگوید بنگرید که: " اینها با ما چه کردند. "

فلسطین و شریعتی!

پس از شهادت معلم شهید، مراسم چهلم وی در بیروت باشکوه فراوانی برگزار شد. در این مراسم حدود ۲۵ سازمان و گروه شرکت داشتند که برگزارکنندگان اصلی مجلس یادبود نیز بودند.

در این مراسم بیش از یک سوم شرکت‌کنندگان از طرف سازمانها و گروههای فلسطین حضور داشتند، که خود نشان - دهنده^۶ قدردانی آنان و علاقه^۶ آنان به مواضع شهید شریعتی است. و چنانکه رهبران فلسطینی در این مراسم تکیه کردند، شریعتی به همه جا و از جمله فلسطین تعلق دارد و در همین

(۱) مجموعه آثار ۷ صفحه ۲۰۲

رابطه است که علل شرکت سازمانها و شخصیت‌های فلسطینی در این مراسم ، بیش از پیش مشخص می‌شود .
گروهها و سازمان‌های فلسطینی شرکت‌کننده در این مراسم عبارت بودند از :

– سازمان آزادیبخش فلسطین (الفتح)

– نیروهای العاصفه (بخش نظامی الفتح)

– مرکز برنامه‌ریزی فلسطین

– مرکز مطالعات و تحقیقات فلسطین

– اتحادیه کل کارگران فلسطین

– اتحادیه آموزگاران فلسطین

علاوه بر گروه‌های فلسطینی شرکت‌کننده گروه‌های دیگری نیز از لبنان (حرکت المحرومین) و گروه‌های مقاومت لبنان (امل) ، جنبه خلق برای آزادی اریتره و همچنین جنبه آزادیبخش اریتره ، جنبش ملی آزادیبخش زنگبار ، جنبش ملی برای آزادی زیمبابوه و جنبش ملی برای آزادی جنوب فیلیپین نیز حضور داشتند ، که حضور این سازمان‌ها و گروه‌ها خود نشان‌دهنده مواضع معلم شهید در قبال تمامی مردم تحت ستم جهان است .

از ایران نیز : روحانیون مبارز ایرانی ، نهضت آزادی ایران ، اتحادیه کل دانشجویان مسلمان در اروپا (بخش فارسی زبان) ، اتحادیه دانشجویان مسلمان در آمریکا و کانادا (بخش فارسی‌زبان) و دوستان دکتر علی شریعتی بعلاوه خانواده آن شهید حضور داشتند .

در این مراسم بزرگانی از فلسطین همچون برادر ابو عمار (یاسر عرفات) و منیر شفیق حضور داشتند و سخنانی پیرامون مواضع معلم شهید گفتند . موسی صدر رهبر شیعیان جنوب لبنان نیز در این مراسم شرکت داشت . قدردانی و حمایت بیدریغ رهبران فلسطینی از شریعتی خود نمایانگر علاقه شریعتی به آزادی فلسطین و همچنین نمایانگر علاقه فلسطینیان به شریعتی



گوشه‌ای از مراسم بزرگداشت معلم شهید در بیروت، خانواده معلم شهید، عرفات و چند تن از علمای ایران و لبنان در عکس دیده می‌شوند.



صحنه‌ای دیگر از مراسم بزرگداشت معلم شهید. همسر معلم انقلاب و عرفات در عکس دیده میشوند.



همسر معلم شهید هنگام ملاقات با یاسر عرفات در مراسم
بزرگداشت معلم شهید .



یک نمونه از پوستره‌های بزرگداشت معلم شهید دکتر شریعتی در بیروت .

است .

برادر ابو عمار مرد شماره ۱ مقاومت فلسطین در این مراسم چنین گفت :

" برای من مایه افتخار است که در این محفل ارزنده ، یعنی محفل یادبود برادر و همراه شهید مبارز علی شریعتی شرکت می‌کنم . در این محفل مقدس باید به شما بگویم که دکتر شریعتی تنها یک مبارز ایرانی نیست و نه مبارزی متعلق به این منطقه ، بلکه او مبارزی است فلسطینی ، لبنانی ، عربی و جهانی . از اینجاست که معنای شرکت ما در این محفل روشن میشود . " (۱)

آری بگفته برادر ابوعمار ، شریعتی مبارزی تنها متعلق به ایران نیست بلکه او مبارزی جهانی و متعلق به همه محرومان جهان است .

منیر شفیق . یکی از مردان مبارز فلسطین نیز در این مراسم ضمن تجلیل فراوان از مبارزات معلم شهید ، راه وی را ستود و او را همچون شهیدان الفتح و مقاومت فلسطین توصیف کرد و گفت :
" محفل یادبود چهلمین روز شهادت دکتر علی شریعتی را باید بعنوان ادامه کاروان شهدای احد ، بدر ، کربلا ، قادسیه ، حطین ، کرامه ، و جنوب لبنان بنگریم .

همین دیروز ۲ جلد از کتابهای او را خواندم و دریافتم که بزرگداشت این مبارز بزرگ و شهید که از بهترین فرزندان ملت ایران بود ، از جانب ماشگفت‌انگیز نیست . چرا که ما مجاهد بزرگی را گرامی می‌داریم که زندگی و وجودش را بر ضد استعمار و دیکتاتوری صرف کرد . او مجاهدی بود که برای استقلال کشورش و کلیه کشورهای ضعیف و استعمارزده تلاش می‌کرد .

ما اگرچه شخصیت بزرگ او را نمی‌شناسیم ولی می‌دانیم که او از شگفت‌انگیزترین مردان این روزگار و برخوردار از خصائل

(۱) بزرگداشت شریعتی در بیروت صفحه ۳۱

مبارزین و پیکارگران بزرگ بود. علت بزرگ دیگری که موجب می‌گردد ما صادقانه و با گرمی و اخلاص تمام یاد او را گرامی بداریم، موضع دکتر شریعتی نسبت به انقلاب فلسطین و پشتیبانی او از انقلاب فلسطین می‌باشد. از اینرو او با انقلاب فلسطین رابطه‌ای نزدیک داشت. با توجه به خصائلی که از او یاد کردیم اکنون باید بایستیم و از دکتر شریعتی تجلیل بعمل آوریم بهمانگونه که عادتاً "شهدای انقلاب فلسطین را گرامی می‌داریم. در پایان باید بگویم که شهادت دکتر علی شریعتی یکی دیگر از عوامل تقویت رشته‌ها و پیوندهای مبارزاتی بین ملت عرب و مردم ایران می‌باشد... ما با ملت ایران، با ملتی که دکتر علی شریعتی بدان وابسته است برادران هم‌زم هستیم و همواره در مبارزه و جهان برادر و همراه یکدیگر خواهیم بود. انقلاب تا پیروزی ادامه دارد." (۱)

معلم شهید هر جا سخن از فلسطین بمیان می‌آورد از مبارزین جنوب لبنان نیز یاد می‌کند. و همانطور که از انقلاب فلسطین حمایت می‌کند از مبارزین جنوب لبنان، و تمامی ملل محروم و دربند جهان نیز حمایت می‌کند. او آنچنان که مبارزات ملت الجزایر را می‌ستاید، مبارزات ملت کنگو را نیز می‌ستاید. و آنچنان که یک مبارز مسلمان را مورد تفقد قرار می‌دهد، از لومومبانیز تقدیر بعمل می‌آورد. و این است که نمایندگان اریتره و زنگبار و فیلیپین و زیمبابوه و... لبنان نیز در این مراسم شرکت می‌کنند و از وی تجلیل بعمل می‌آورند. امام موسی صدر شرکت‌کننده از جانب شیعیان لبنان در این مراسم چنین گفت:

" ما تجربه موفقیت آمیزی را که از لابلای کلمات دکتر علی شریعتی و دوستانش استفاده می‌شود، به عنوان یک ثروت فکری بزرگ ارج می‌نهیم. همچنانکه به الفتح و انقلاب الفتح احترام

می‌گذاریم. در این لحظات که یاد علی شریعتی را گرامی می‌داریم، فکر و اندیشه اصیل و متعهدانه او را می‌ستائیم، همان اندیشه‌ای که می‌تواند، سرتاسر جهان را بسوی خود جلب کند و نیروهای عظیمی را در عبادتگاهها و فروشگاهها و خانه‌ها بحرکت در آورد. ما افتخار می‌کنیم که گردهم آمده‌ایم تا اندیشه اصیل او را گرامی بداریم. همانگونه که علی شریعتی در زندگیش برای ما خیر و برکت بود، اکنون پس از شهادتش هم محفل او موجب گردهم‌آیی انقلابهای اصیل گردیده است. از فلسطین گرفته تا لبنان و از کشورهای آسیا و آفریقا، تا اریتره و زنگبار، از زیمبابوه تا فیلیپین و ایران، همه را بدور هم جمع کرده است.

در این محفل فقید بزرگ، دکتر علی شریعتی را به عالیت‌ترین وجه گرامی می‌داریم و بدون شک در این محفل که مادر برابر روح تابناک او قرار گرفته‌ایم احساس می‌کنیم که این فاجعه، برای ما و بازماندگانش و جوانان با ایمان مسلمانی که در اثر شهادت این مرد بزرگ سوخته‌اند، سوگ بزرگی است، همچنانکه در این روزگار سخت و بحرانی، دیدار ما در این محفل برکت و فضل دیگری از جانب آن شهید است. " (۱)

بزرگداشت چهلم شریعتی در بیروت برآستی پیوندی دیگر بین انقلاب ایران و انقلاب فلسطین بود. شریعتی همانطور که در زمان حیات خود موجبات اتحاد مسلمانان و حمایت جوانان آزاده^۶ ایرانی از فلسطین را مهیا می‌نمود، در مراسم چهلمش نیز موجبات اتحاد شیعه و سنی را فراهم نمود. از طرف جبهه^۶ آزادیبخش اریتره نیز پیامی در رابطه با چهلم معلم شهید خوانده شد، که در قسمتی از پیام جبهه^۶ آزادیبخش اریتره چنین آمده است

" بنام خدا و بنام انقلاب اریتره و ملت اریتره به ملت لبنان و فلسطین و به ملت ایران درود فرستاده و به آنها تسلیت می‌گوئیم. همچنانکه بخودمان نیز بخاطر درگذشت برادر، مبارز

(۱) بزرگداشت شریعتی در بیروت صفحات ۱۵ - ۱۰ - ۹

بزرگ شهید دکتر علی شریعتی تسلیت می‌گوئیم . ما دکتر شریعتی را بعنوان پشتیبان انقلاب و ملت‌مان و مدافع صادق آرمان عادلانه‌مان شناخته‌ایم . او همچنانکه پرچم انقلاب الجزایر و انقلاب فلسطین را بدوش می‌کشید ، پرچم انقلاب اریتره را هم بدوش داشت . با شهادت او ما دوست وفادار ملت‌مان و مبارزی برجسته در راه آرمانهای عادلانه‌مان را از دست می‌دهیم . . . ما با شما و با روح شهید صدیق و وفادار ، دکتر شریعتی پیمان می‌بندیم که با هم در یک سنگر بر ضد استعمار ، صهیونیسم ، نژادپرستی و ستمگری باقی خواهیم ماند ، هر اندازه که با مشکلات روبرو شویم . (۱)

به امید پیروزی انقلاب فلسطین و اریتره و تمامی انسانهای در بند امپریالیسم و صهیونیسم .

(۱) بزرگداشت شریعتی در بیروت صفحه ۱۶

.

.

” و تو ای علی
ای شیر ، مرد خدا و مردم
رب النوع عشق و شمشیر!
... تو ستمی را بر یک زن یهودی (که در ذمه حکومت
می زیست) تاب نیاوردی ،
و اکنون ،
مسلمانان را در ذمه یهود ببین ،
و ببین که بر آنان چه می گذرد !
مجموعه آثار ۸ صفحه ۱۱۹

- | | |
|-------------------------------|-------------------------------|
| ● نام کتاب : | شریعتی و فلسطین |
| ● گردآوری : | علی فیاض |
| ● تعداد چاپ : | ۵۰۰۰ جلد |
| ● چاپ اول : | مرداد ماه ۱۳۶۱ - چاپخانه مقدم |
| ● شرکت سهامی انتشار : | خیابان جمهوری اسلامی |
| ● نش مکت پلاک ۱۱۰ تلفن ۳۱۴۰۴۴ | ۴۰ ریال |